





مرکز ملی پژوهش‌های اسلامی  
مجلس شورای اسلامی

### نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی بایسنغر

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر خلیل الله افضلی

مدیر داخلی: مسعود امینی

دستیار سردبیر: سیندخت تمنا

پوشه و برگ آرا: حسین علی ابراهیمی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲ خورشیدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

رویه نامه: عبارت دعایی «هرات صانها الله عن الآفات و النکبات» و نظایر آن نوشته کاتبان گوناگون

نشانی پخش:

■ افغانستان، هرات، شهر نو، ضلع شمالی ارگ، پلاک ۱، ساختمان باغ شهر، مؤسسه پژوهشی بایسنغر

شماره‌های تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۳۵۱۹۲ | ۰۰۱۴۲۴۵۰۲۹۳۲۱



شماره سوم نامه بایسنغر با حمایت مالی آژانس کمک و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا) در هرات منتشر شده است.



مؤسسە پژوهشی بایسنغر

# نامهٔ بایسنغر

(سال نامهٔ علمی - پژوهشی)

(۳)

۱۴۰۲ خورشیدی

این شماره از مجله در پایگاه اینترنتی مؤسسە پژوهشی بایسنغر به نشانی زیر قابل دسترس است:

[WWW.BAYSUNGHUR.ORG](http://WWW.BAYSUNGHUR.ORG)



## راه‌نمای نگارش مقاله

۱. مقاله باید حاصل پژوهش علمی نویسنده/نویسندگان دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ خراسان کهن با تأکید بر پژوهش‌های مربوط به هرات باشد و در هیچ مجله یا مجموعه‌ای به چاپ نرسیده یا برای آن‌ها ارسال نشده باشد.
۲. مقاله به ترتیب باید شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر) کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (پرسش تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، روش و منابع)، بحث و بررسی و نتیجه باشد و از ۱۵ صفحهٔ A۴، ۲۵ سطر تجاوز نکند.
۳. ارسال چکیدهٔ انگلیسی در صفحه‌ای جداگانه همراه با مشخصات نویسنده یا نویسندگان الزامی است.
۴. منابع مورد استفاده در پایان مقاله و براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:  
کتاب: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام نشریه، دوره/سال، شماره، شمارهٔ صفحات مقاله.  
مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام ویراستار یا گردآورنده، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شمارهٔ صفحات مقاله.  
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ استفاده از سایت اینترنتی (داخل [ ])، عنوان موضوع (داخل (۱))، نشانی سایت اینترنتی.  
۵. ارجاعات در متن مقاله به صورت پانویس (نام خانوادگی، نام، نام کتاب یا مقاله، تاریخ انتشار، شمارهٔ صفحه) نوشته شود.  
۶. نقل قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر در صورت جدا از متن با فرورفتگی (نیم سانتیمتر) از دو طرف درج شود.  
۷. توضیحات تکمیلی و معرفی منابع بیشتر در پیوند به موضوعات مختلف، در

یادداشت‌های مقاله ارائه شود.  
۸. مقاله بر اساس شیوه‌نامه مؤسسه پژوهشی بایسنگرکه در وب‌سایت مؤسسه قابل دسترس است، تنظیم شود. در صورت لزوم، مجله در ویرایش ادبی مقالات بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

## فهرست

- راه‌نمای نگارش مقاله ..... ۵
- سرنامه ..... ۱۱
- بخش نخست؛ جست‌وجو** ..... ۱۷
- پیوند داستان سرایی عامه و مذهب عامیانه: بررسی نقش بی‌بی سستی در ابومسلم‌نامه ..... ۱۹  
دکتر آمنه ابراهیمی
- معروف بغدادی و نخستین فعالیت‌های کارگاه بایسنغر میرزا ..... ۳۹  
دکتر شیوا میهن
- محزّر مجالس العشّاق؛ سلطان حسین بایقرا ..... ۸۳  
دکتر مهدی بیلافی
- آئینه‌شاهی؛ واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات ۱۱۱ .....  
دکتر داوود عرفان
- آگاهی‌های تازه درباره‌ی امیر جمال الدین عطاء الحسینی ..... ۱۳۳  
دکتر خلیل‌الله افضلی
- مقایسه‌ی افسانه‌ها و حکایت‌های مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنگری با روایت‌های شفاهی ..... ۱۷۳  
دکتر محمد جعفری قنواتی
- پژوهشی در آب‌انبارهای محله‌ی قضاّت در شهر کهنه‌ی هرات ..... ۱۸۵  
غلام‌محمد عاصم و دکتر تتسویا اندو | برگردان از انگلیسی؛ طه آور
- جعفر بایسنگری؛ حیات، هنر و شیوه ..... ۲۰۹  
سید امیر منصوری
- اولنگ‌اولنگ، ترانه‌ی مراسم عروسی مردم هرات ..... ۲۴۷  
دکتر اسدالله شعور



- آرامگاه محمد غازی در فوشنج ..... ۲۸۱  
 دکتر برنارد اوکین | برگردان از انگلیسی: سیندخت تمنا
- تکمله‌ای بر مقاله «آرامگاه محمد غازی در فوشنج» و آخرین مرمت این بنا ..... ۳۱۵  
 سیندخت تمنا
- بخش دوم؛ هرات‌شناسی** ..... ۳۲۷
- تذکره الصالحین یا حصه سوم رساله مزارات هرات ..... ۳۲۹  
 دکتر محمد شعیب مجددی
- مقامات مولانا کلان زیارتگاهی ..... ۳۴۹  
 دکتر عارف نوشاهی
- دو فرمان سلطان حسین بایقرا در آرشیو ملی افغانستان در کابل ..... ۳۷۷  
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: معصومه نظری
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ..... ۴۰۱  
 رادک سیکورسکی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ..... ۴۰۹  
 دکتر کریستینا نوله کریمی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور ..... ۴۱۳  
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طبیبی
- بازتاب اندیشه‌های جامی در آثار منطقه ..... ۴۲۳  
 دکتر محمد افضلی
- معرفی کتاب قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری ..... ۴۳۵  
 دکتر داوود عرفان
- مرواریدی در هرات ..... ۴۴۳  
 دکتر اسراء السادات احمدی
- کتابخانه‌های آبدان مسجد جامع هرات ..... ۴۵۱  
 دکتر خلیل‌الله افضلی
- از نامه ادبی هرات ..... ۴۵۷  
 عبدالغفور سنگانی
- جایابی باغ نعمت‌آباد و بناهای بازمانده از آن ..... ۴۶۵  
 مسعود امینی
- خانقاه پوران ..... ۴۸۷  
 حمیدالله کامگار





|     |   |
|-----|---|
| ۴۹۵ | بخش سوم؛ هریوکان  |
| ۴۹۷ | پهلوان محمد ابوسعید و ترجمه فارسی رساله حالات پهلوان محمد<br>مقدمه: مسعود امینی   برگردان رساله از ترکی جغتایی: احمد حسینی مروی |
| ۵۲۱ | بخش چهارم؛ عرضه داشت  |
| ۵۲۳ | گزارش کاری مؤسسه پژوهشی بایسنغر   |
| ۵۳۳ | بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان  |
| ۵۳۵ | غلام حیدر اسیر هروی   |
| ۵۳۹ | محمد آصف فکرت هروی  |
| ۵۴۳ | فضل الله زرکوب  |
| ۵۴۹ | دکتر اسدالله حبیب   |
| ۵۵۵ | عبدالله سمندر غوریانی   |
| ۵۶۵ | عبدالکریم تمنا  |
| ۵۶۹ | محمدشاه واصف باختری   |
| ۵۸۱ | گزارش مختصری از برنامه های بازسازی دفتر تیکا در هرات  |

(۲)  
معرفی کتاب



جلد تاریخ و صاف، ۸۳۵ق.، مجموعه کی‌یر، موزه هنر دالاس.

## نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور

دکتر شیوان ماهندرا راجا

برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طیبی

این جهان چون بگردان در وی خراسان چون صدف  
در میان آن صدف شهر هری چون گوهری<sup>۱</sup>

این کتاب بخشی از تاریخ هرات، شهری مشهور در شرق اسلامی سده‌های میانه است. هرات از آن روزگار دوران دشواری را سپری کرده و آن حاصل پیامد جدایی ایران در سال ۱۸۵۷ م. به دنبال معاهده‌ای است که توسط انگلیس بر شاهان زبون قاجار (حک. ۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش.) تحمیل شد. هرات، نگین خراسان، کلان شهر ایرانی (تاجیک) و مرکز آموزش و اخلاق اسلامی است که از آن زمان تا اکنون در درون یک جسم بیگانه به دام افتاده است.<sup>۲</sup> این شهر پارسی<sup>۳</sup> در سال ۱۲۲۲ م. / ۱۹۰۶ ق. توسط چنگیزخان ویران شد اما توسط فرزندان او و ملوک کرت (۶۴۳ تا ۷۸۳ ق. / ۱۲۴۵ تا ۱۳۸۱ م.) یک سلسله خودمختار تاجیک که خاستگاه‌شان کوه‌های غور در شرق فلات ایران بود، احیا گردید. نوه و وارث چنگیزخان، منگوقاآن (حک. ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۸ م. / ۶۴۸ تا ۶۵۶ ق.) سلسله کرت را با انتصاب شمس‌الدین محمد به عنوان حاکم هرات، مناطق تابعه و قلمروهای آن در ۶۴۹ ق. / ۱۲۵۱ م. روی کار آورد. قلمرو ملوک کرت از جانب غرب؛ جام، باخرز و خواف، از شمال تا آمو دریا، از جنوب و جنوب شرق تا سیستان، بلوچستان، سند (شط سند) و مرز با هندوستان (حد هند) را در بر می‌گرفت.

چرا هرات؟ چرا بلخ نه؟ چرا به تلاش‌های آبادانی مغولان در هرات اهمیت می‌دهیم؟ چرا تاریخ یک سلسله تاجیک سده‌های میانه را مطالعه می‌کنیم؟ نخست این مغولان و مشاوران

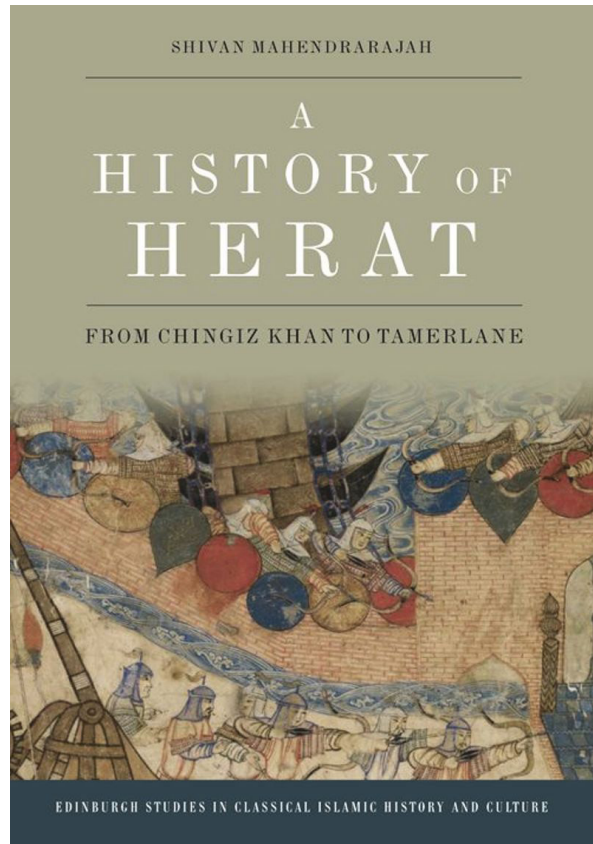
۱. این قطعه در متون متعدد فارسی سده‌های میانه از جمله تاریخ‌نامه هرات از سیفی هروی، *نزهة القلوب حمدالله مستوفی، جغرافیای حافظ/برو و حبیب السیر غیاث الدین خواندمیر* آمده است.

۲. «مروارید خراسان» برگرفته از عنوان کتاب چارلی گامل است:

(Charlie Gammell, *The Pearl of Khorasan* (London: Hurst, 2016))

این کتاب بررسی دلپذیری از تاریخ هرات از مغول‌ها تا دوران مدرن است.

۳. معمولاً در منابع مختلف جز هنگام اشاره به دولت مدرن، برای بررسی این دوره از واژه پرشیا کار گرفته می‌شود.



فارسی‌شان بودند که هرات را برای احیای مجدد به جای دیگر شهرهای بزرگ خراسان (بلخ، مرو یا نیشابور) برگزیدند. ملوک کرت برای پیشبرد برنامه‌های امپراتوری توسط مغول‌ها تأمین مالی و مشروعیت خود را از آنان می‌گرفتند. هرات و ملوک کرت در حقیقت از قبل برای مورخان انتخاب شده بودند. ثانیاً همان طور که چارلز تیلی نوشته، زورمندان یا به گونه‌ای ویژه، جریان‌های نظامی غیردولتی خود را مؤظف به اداره سرزمین‌ها، کالاها و افرادی می‌دانند که به دست می‌آورند. آن‌ها در استخراج منابع، توزیع کالاها، خدمات و درآمد و قضاوت در موارد مختلف مداخله می‌کنند.<sup>۱</sup> اداره سرزمین‌های مفتوحه توسط امپراتوری مغول و چگونگی و شیوه استخراج منابع در مقاله «امپریالیسم مغول» نوشته توماس آلسن مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این تحقیق تحلیل نقش شهر هرات، اراضی کشاورزی آن، و شرق خراسان در قلمرو حکومت مغول بوده است. این نوشته در اصل تاریخی محلی از یک کلان‌شهر فارسی با اکثریت مسلمان است.

نامه با ایستغرا، شماره سوم، ۱۳۰۲ خورشیدی

1. Charles Tilly, *Coercion, Capital, and European States (990 - 1990 AD)*, MA: Basil Blackwell, 1990), 20. Cambridge, MA: Basi.



## رویکردهای تاریخی

ریچارد بولیت ناخشنودی ژرف خود را از چگونگی ارتباط تاریخ اسلام ابراز می‌دارد. او اصرار دارد که روایت معمول تاریخ اسلام در مسیر اشتباه به پیش می‌رود. این امر به این دلیل است که تاریخ اسلام همیشه به مرکز ارجحیت داده است.<sup>۱</sup> این مرکز عبارت از پایتخت خلافت (دمشق، بغداد، قاهره و استانبول) است که مراکز خلافت امویان، عباسیان و سلاطین عثمانی بوده است. مراکز خلافت توجه چندانی به شهرها و مناطق اطراف و وقایع آن‌ها نداشته‌اند و کناره‌ها یا حاشیه‌ها به فراموشی سپرده شده‌اند. تاریخ محلی باید مکمل تاریخ خلافت باشد. بولیت چنین استدلال می‌کند: در حالی که نگاه از مرکز با یک نهاد سیاسی آغاز می‌شود، آن را به طرز چشمگیری گسترش می‌دهد و سپس انحلال آن را مشاهده می‌کند، نگاه از حاشیه برعکس آن عمل می‌کند. این دیدگاه با افراد و جوامع کوچکی شروع می‌شود که در یک قلمرو وسیع اما ادغام شده به صورت ضعیف، زندگی می‌کنند. به بیش از ده زبان مختلف صحبت می‌کنند و غرق در سنت‌های مذهبی و فرهنگی خیلی متنوع هستند. از این شروع ناامیدکننده به آهستگی معیار چشمگیری از انسجام اجتماعی، نهادی و اعتقادی پدیدار می‌شود.<sup>۲</sup> دیدگاه چارلز ملویل مکمل استدلال بولیت است. او می‌گوید تاریخ ایران هنوز هم در موارد بسیاری از نظر وقایع، نقش مرکزی دارد. شیوه‌ای که به قدر کافی رایج است، دسیسه‌سازی دربارها، اعمال آموزنده و گوناگون دیگر از جانب حاکم و هم‌رکابانش، لشکرکشی‌ها و سرکوب شورش‌ها، ظهور و سقوط سلسله‌ها و مانند این‌ها است که به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مضمون تاریخ باشند. هنگامی که تلاطم امواج را و آنچه در آن است شناختیم، منابع را برای این واقعیت که نمی‌توانیم زیر این توفان را ببینیم، سرزنش می‌کنیم. [...] مناطق ایران تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که در واقع برای مدت کوتاهی به مراکز قدرت تبدیل شوند.<sup>۳</sup> شهر هرات «مروارید» است؛ با این حال مروارید را نمی‌توان بدون قدردانی از «صدف» خراسان که در آن پرورش یافته است، ارج گذاشت. این پژوهش تاریخ محلی در پیوند به هرات و بلوک‌های آن، همچنین یک تاریخ منطقه‌ای با توجه به گهواره خراسانی هرات است. این رویکرد مطابق با توصیه ژان اوبن است که شهر و کشور با هم مورد مطالعه قرار گیرند:

«گرایش در زبان فارسی مبنی بر قایل نشدن تمایز بین قلمرو محدود یا گسترده و محل حاکم بر آن، ما را بر آن می‌دارد تا بررسی وجه شهری را در چارچوب تقسیمات ارضی تاریخی قرار دهیم. واحد فضایی<sup>۴</sup> که باید مد نظر گرفته شود به گونه‌ای نیست که توسط دیوارهای شهر یا

1. R.W. Bulliet, *Islam: The View from the Edge* (New York: Columbia University Press, 1994), p. 4.

۲. همان، صص ۸-۹.

3. C.P. Melville, "Persian Local Histories: Views from the Wings," *Iranian Studies*, 33/1 (2000), pp. 7-14.

4. spatial unit





کمربند حومه اطراف آن‌ها مشخص شده باشد. تراکم شهری هرات نمی‌تواند از قلمرو خراسان جدا پنداشته شود.<sup>۱</sup>

## ساختار و موضوعات کتاب

کتاب در برگرفته دو بخش ۱. تاریخ نظامی - سیاسی و ۲. تاریخ اجتماعی و اقتصادی است. بخش نخست زمینه‌ساز بخش دوم است. کوشیده‌ام تا رویدادها و تاریخ‌های مرجع از بخش نخست را با پرهیز از تکرار در بخش دوم نیز بررسی کنم. بخش نخست به سه دوره (۶۱۵ - ۶۷۶ ق. ۱۲۱۸ - ۱۲۷۸ م.، ۶۷۷ - ۷۲۹ ق. ۱۲۷۸ - ۱۳۲۹ م.، ۷۲۹ - ۷۸۳ ق. ۱۳۲۹ - ۱۳۸۱ م.) تقسیم می‌شود. برای هر دوره، یک مقدمه کوتاه آورده‌ام. موضوعات کلیدی در زیر برجسته شده‌است.

### بخش اول: ملاحظات نظامی و سیاسی

فصل‌های یک و دو سال‌های ۶۱۵ ق. ۱۲۱۸ م. تا ۶۷۶ ق. ۱۲۷۸ م. را در بر می‌گیرد که چگونه شرق ایران - سرزمین‌های متجانس با شرق ایران و بیشتر افغانستان - مورد خشم مغولان قرار گرفت و شامل جدول ۱، ۱ گاه‌شمار حمله مغول به خراسان و ماوراءالنهر ۶۱۵ ق. ۱۲۱۸ م. تا ۶۱۹ ق. ۱۲۲۲ م. است.

فصل دوم به تضعیف شمس‌الدین کرت از طریق دسیسه‌های سیاسی جناح‌های چنگیزخان و غیبت او از هرات که علیه دشمنان ایلخانان از جمله اردوی زرین یا خانات قبچاق مبارزه می‌کرد، پرداخته‌است. میراث او یک دولت ابتدایی است که توسط شماری از وفاداران تشکیل شده‌است.

فصل‌های سوم و چهارم (سال‌های ۶۷۷ - ۷۲۹ ق. ۱۲۷۸ - ۱۳۲۹ م.)، در این جا ایده راهزن سیار<sup>۲</sup> و راهزن ثابت<sup>۳</sup> مطرح می‌شود. برخی از اقتصاددانان به‌ویژه پرفسور مانکور اولسون<sup>۴</sup>، مشاهدات سنت آگوستین<sup>۵</sup> را در مورد این که چگونه گروه‌های راهزن سرزمین‌ها را اشغال و نام پادشاهی را بر آن می‌نهادند، وسعت بخشیده‌اند. مغول‌ها که تا کنون اقتصادشان بر مبنای

1. Jean Aubin, "Elements for the Study of Urban Agglomerations in Medieval Iran", *Cities of Medieval Iran*, eds David Durand-Guedy, 31, (Ilden: Brill, 2020), pp. 27-37.

۲. راهزنان سیار: گروه‌هایی که غارت می‌کنند، ویرانی می‌آفرینند و می‌روند (به عنوان مثال وایکینگ‌ها و مغول‌های اولیه).

۳. راهزنان ثابت: خودکامگانی که اقتصادی را رشد می‌دهند که خود آن را نابود کرده‌اند؛ بر سرقت انحصار ایجاد می‌کنند؛ تسهیلات عمومی (همانند امنیت، حقوق مالکیت) ارائه می‌کنند و از طریق مالیات برای خود منابع درآمد به وجود می‌آورند (به طور مثال وایکینگ‌های بعدی، مغول‌های بعدی).

4. "Obituary: Mancur Olson," *The Economist* (7 March 1998).

5. St Augustine





ثروت منقول (طلا، احشام، بردگان) به دست آمده از طریق سرقت خشونت‌آمیز (غارت و فرار) رونق یافته بود، تشخیص دادند که آن‌ها از احیای مجدد هرات سود می‌برند. امپراتوری مغول به سرقت ملایم (که مالیات نیز نامیده می‌شد) دست یازید. مغول‌ها به راهزنان ثابت تبدیل شدند. امپراتوری برای گسترش بیشتر به سپاهیان بیشتری نیاز داشت و ملوک کرت هزاران نفر سپاهی بیگار را به مغول‌ها عرضه کردند.

فخرالدین کرت به گفته مایکل هوپ، ملکی خودرأی بود که محاصره هرات را تسریع کرد و دشمنی ایلخان اولجایتو را که زمان زیادی به جدال با سلسله آل کرت هرات اختصاص داده بود، حاصل نمود اما بازسازی هرات هم در همین دوران پرتلاطم آغاز شد. غیاث‌الدین کرت برادر خود را به عنوان حاکم هرات تعیین کرد. او ناگزیر بود سال‌ها با بی‌اعتمادی اولجایتو نسبت به آل کرت، دسیسه‌های امرای ایلخانان علیه کرت‌ها و اولجایتو، در برابر مهاجرت مردم از ماوراءالنهر و یورش‌های جغتائیان به خراسان مبارزه کند. اما با پشت سر گذاشتن رویدادهای نامبرده و سپس مرگ اولجایتو و دوستی با ایلخان جدید (ابوسعید) و نایب السلطنه وی (امیرچوپان) در تبریز، آخرین دهه حکومت غیاث‌الدین یکی از بهترین دوره‌ها برای هراتی‌ها بود.

فصل‌های پنجم و ششم (سال‌های ۷۲۹ تا ۷۸۳ ق. ۱۳۲۹ تا ۱۳۸۱ م.) انتقال دولت کرت از ایلخانان به پادشاهی مستقل پارسی/ایرانی است. مرگ ابوسعید از هم‌پاشیدن ایلخانان را تسریع کرد. معزالدین کرت اعلام سلطنت نموده و خلعت پادشاه اسلام - پادشاه آرمانی تاجیک - را بر تن کرد.

جنبش سربداران در اثر هرج و مرج ناشی از مرگ ابوسعید، در ربیع نیشابور ظهور کرد. آنان با یکی از مشایخ که گرایش‌های شیعی داشت، متحد شدند. سربداران و متحدین شیعه آنان در سال ۷۴۳ ق. ۱۳۴۲ م. به هرات لشکر کشیدند اما از کرت‌ها شکست خوردند. معزالدین و علی مؤید آخرین رهبر سربداران، تنش‌زدایی پیشه کرده و مرزها را بین قلمرو خود مشخص کردند. غیاث‌الدین پیرعلی پسر و وارث مورد علاقه معزالدین، به تنش‌زدایی بین سربداران و کرت‌ها خط بطلان کشید. از علما فتوا گرفت و درگیری‌های فرقه‌ای را به ربیع نیشابور آورد. جدول ۱/۶ کارزار کرت‌ها با سربداران در ربیع نیشابور (۷۷۳ تا ۷۸۳ ق. ۱۳۷۱ - ۷۲ تا ۱۳۸۱ م.) و مبارزات و تأثیرات اجتماعی - سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

امیرتیمور که پادشاهی خود را تثبیت کرده بود و برای فتوحات جدید برنامه‌ریزی می‌کرد، از فرصت استفاده نمود. تصمیم پیرعلی برای مقاومت در برابر سپاهیان تیمور باعث هراس اشراف و اعیان خراسان از خشم تیمور شد. آنان با پیشگامی معین‌الدین جامی وزیر آل کرت مخفیانه با تیمور ارتباط برقرار کردند تا در مورد واگذاری صلح‌آمیز هرات و مردم آن مذاکره کنند. به این ترتیب سلسله ملوک کرت در سال ۷۸۳ ق. ۱۳۸۱ م. برچیده شد.





## بخش دوم: ملاحظات اجتماعی و اقتصادی

فصل‌های هفتم و هشتم به تلاش‌ها برای احیای سیستم آبیاری، رشد و بهبود محصولات کشاورزی می‌پردازد. اوکتای قآن (حک. ۶۲۴ - ۶۳۸ ق. ۱۲۲۹/ - ۱۲۴۱ م.) در حدود سال ۶۳۴ ق. ۱۲۳۶ م. برای احیای مجدد هرات گام‌هایی برداشت. کانال‌هایی که آب آشامیدنی را در شهر تأمین می‌کرد، بازسازی شد. تلاش‌های احیای مجدد زیر تأثیر اختلافات بین شرکای ذینفع چنگیزی قرار می‌گرفت، با آن هم همکاری‌هایی نیز ثبت شده‌است. در سرشماری سال ۶۳۸ ق. ۱۲۴۰ - ۴۱ م. جمعیت هرات حدود ۶۹۰۰ نفر شمارش شد و با بازگشایی کانال‌ها، مردم از خراسان و ترکستان شروع به مهاجرت به هرات کردند.

با به قدرت رسیدن ایلخان محمود غازان (حک. ۶۹۴ - ۷۰۳ ق. ۱۲۹۵/ - ۱۳۰۴ م.) تلاش‌هایی قاطع برای احیای مجدد صورت گرفت. او و وزیرش رشیدالدین فضل‌الله دریافتند هیچ‌گاه قلمروی ویران‌تر از این وجود نداشته‌است. اصلاحاتی از جمله در پیوند با قوانین مالکیت زمین، نرخ‌ها و شیوه‌های مالیات انجام یافت. اصلاحات مالی - حقوقی ایلخانی ذهنیتی را که در خراسان پس از مغول موجود بود، معکوس کرد، و آن ترس از سیاست‌های مالی - حقوقی غیرشفاف و در حال تغییر بود. سیاست‌های اتفاقی و بی‌برنامه و شرایط سیاسی دشوار، مانع سرمایه‌گذاری در سیستم‌های آبیاری و زمین‌های بایر شده بود. اصلاحات، فضای سرمایه‌گذاری را از مکانی که در آن ترس از پدیده‌های ناشناخته (به عنوان مثال عدم قطعیت غیرقابل اندازه‌گیری) چیره بود، به جایی که عدم قطعیت قابل اندازه‌گیری<sup>۱</sup> ادامه داشت، تغییر داد. عدم قطعیت قابل اندازه‌گیری خطرپذیری قابل کنترل است (به عنوان مثال، پتانسیل سود و زیان را می‌توان ارزیابی کرد).<sup>۲</sup> غیاث‌الدین کرت و پسرش معزالدین برای احیای مجدد تلاش بسیار کردند. معزالدین ابداعاتی در سیستم آبیاری به وجود آورد که تعیین میراب‌ها، نصب دستگاه‌های کنترل آب، ایجاد بندها و نتره‌ها که آب را از کانال‌های اصلی به فرعی و بعد به جویبارهای کوچک و از آن جا به مزارع جاری می‌کردند، از جمله اقدامات اوست. ملوک کرت مسئولیت احیای مجدد و اداره منابع آبی و کشاورزی هرات و توابع آن را به نهادهای دینی (مساجد، مزارات، خانقاه‌ها و مدارس) واگذار کردند. در اثر چنین اقداماتی، اداره‌کنندگان کشاورزی و آبیاری، ثروتمند و قدرتمند شدند. در سال ۹۰۶ ق. ۱۵۱۷ م. در پایان عصر تیموری، نهادهای تصوف و مشایخ سادات در جام، بلخ، هرات و مشهد به زمینداران و تولیدکنندگان

۱. اندازه‌گیری هر قدر که دقیق باشد، دارای سطحی از عدم قطعیت است. عدم قطعیت در جامعه‌شناسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که احتمال وقوع یک رویداد غیرقابل پیش‌بینی وجود داشته باشد.

۲. مفهوم سازی در مورد ریسک و عدم قطعیت از فرانک نایت است:

“Dr. Frank Knight, Economist, Dies,” New York Times, 21 April 1972.







برجسته کشاورزی تبدیل شده بودند. «استفاده از زمین و آب»، پیوست دوم است که منابع آب و محصولات کشاورزی ریع هرات را بیان می‌کند.

تمرکز فصل‌های نهم و دهم بر بازسازی هرات است. پیشرفت در داخل هرات به صورت جدی در دوره زمامداری فخرالدین که از طریق ارتباط خود موافقت مغول‌ها را در مورد ساخت هرات به دست آورده بود، آغاز یافت. برادرش، غیاث‌الدین کرت با استفاده از معافیت مالیاتی، پول نقد و غنایمی که در نتیجه پیروزی‌ها بر جغتائیان و متحدانشان به دست آورده بود، در ساخت و سازهای عام‌المنفعه سرمایه‌گذاری کرد. این برنامه‌های ساختمانی خیریه و تجاری در پیوست سوم «توسعه شهری در دوره کرت» بیان شده است. فخرالدین کرت استحکامات هرات شامل دیوارها، باروها، دروازه‌ها و ارگ را بازسازی کرد.

فصل دهم درباره الف) استحکامات هرات و ب) برج‌های دفاعی است. شبکه قلعه‌های مشهور ملوک کرت را می‌توان در جدول ۱/۱۰، «چشم‌انداز مستحکم قلمرو کرت» مشاهده کرد. در این دوره اقدامات دینی رونق گرفت. افراد خیرخواه به حمایت مالی از خانقاه‌ها و مدرسه‌ها پرداختند که باعث ترویج و گسترش تصوف و معارف اسلامی شد. استقرار یا احیاء درجات و مناصب مانند شیخ الاسلام، قاضی القضاات، صدر الشریعه و محتسب به تجدید حیات هرات کمک کرد. دیدگاه مطرح شده این است که در این دوره هرات از وضعیت مناسب اجتماعی و اقتصادی برخوردار بود در حالی که ایران در مجموع پس از مغول دچار انحطاط اجتماعی - اقتصادی شد. این امر ممکن است برای مناطق دیگر ایران نیز صادق باشد اما در پیوند با هرات آن گونه که گفتیم صدق نمی‌کند. استدلال‌های مطرح‌شده در پیوست چهارم «سکونتگاه‌ها و نفوس» حاکی از این است که انحطاط در مورد هرات یک فرضیه است و در واقع پلی است که بر روی پایه‌های لرزان ساخته شده و در واقع استدلال محکمی ندارد. هرات در عهد تیموریان شاهد یک دوره بزرگ شگوفایی هنری، ادبی، روشنگری و صوفیانه بود. شکوه هرات دوره تیموری بدون فراهم کردن اسباب در دوره ملوک کرت امکان‌پذیر نبود.

### درباره منابع

تاریخ هرات نوشته سیفی هروی مهم‌ترین منبع برای مطالعه هرات پس از مغول است که به آنچه چارلز ملویل «ماهیت اشرافی بودن نوشته‌های تاریخی»<sup>۱</sup> تعبیر می‌کند، نزدیک است. سیفی این اثر را به سفارش کرت‌ها نگاشته و به آن‌ها می‌پردازد، اما تاریخ او تا حدی روایتی

۱. سیفی هروی، تاریخ‌نامه هرات، به کوشش غلام‌رضا طباطبائی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ و همچنین: هروی، سیفی، (۱۳۲۲ق./۱۹۴۳م.)، تاریخ‌نامه هرات، تصحیح محمدزبیر صدیقی، کلکته: بایستتیشن. در این پژوهش از نسخه تهران استفاده شده است.





همزمان از هرات مغول و ملوک کرت است. هر چند طول کلام و درازنویسی سیفی در این اثر ناخوشایند می‌نماید اما اطلاعات گران‌بهای اجتماعی و اقتصادی در تاریخ‌نامه با هم آمیخته‌اند. متأسفانه سیفی درست زمانی که هرات تحت حکمرانی کرت‌ها به شگوفایی آغاز می‌کرد، جهان را وداع گفت اما با رفتن او همه چیز از دست نرفت. حافظ‌ابرو، از ملازمان تیمور و فرد آگاه از درون دربار که وقایع دوره تیموری را نگاشته، تاریخ ملوک کرت سیفی را ادامه داد.<sup>۱</sup> حافظ‌ابرو تاریخ‌نگاری با درک است، اما گاهی خاموشی اختیار می‌کند. داده‌های اجتماعی و اقتصادی که تاریخ‌دانان در طلب‌آند، در اثرش اندک و پراکنده‌اند. آثار حافظ‌ابرو کمبود گزارش‌های عصر او - از مرگ سیفی (حدود ۷۲۲ ق. / ۱۳۲۲ م.) تا اواخر دوره آل کرت - را جبران نمی‌کند.

### درباره اصطلاحات مردم و مکان‌ها

نام‌ها و نام‌گذاری‌ها همانند هیدرونی‌م (اسم‌های خاص برای رودخانه‌ها، دریاچه‌ها یا آبگیرها)، هودونیم‌ها (خیابان‌ها و غیره)، اتنونیم (قومیت‌ها)، اکسونیم (نام‌های متعارف/خارجی) و همنام‌هایی که سیفی به کار می‌برد، مشخص هستند.<sup>۲</sup> او برای مثال ترکیب قومی سپاهیان کرت را که در لشکرکشی‌ها شرکت داشتند، دسته‌بندی می‌کند: هروی، بلوچی، غوری، سجزی، مغول، نکودری، افغان<sup>۳</sup>، خلیج<sup>۴</sup> و غیره. سیفی و حافظ‌ابرو برای شناساندن فرد، از رسم شناسایی بلد یا مأوا در یک سطح خرد پیروی می‌کنند.<sup>۵</sup> به جای نشان دادن نسب کلان (به طور مثال «خراسانی»)، ممکن است نسب به صورت «بیژن‌آبادی خوافی»، مانند فلانی از روستای بیژن‌آباد ولایت خواف مملکت خراسان، داده شود. این رسم در

۱. حافظ‌ابرو، *تاریخ سلاطین کرت*، به کوشش میرهاشم محدث، ۱۳۸۹.

2. See, generally, "Toponymy," *Encyclopedia Britannica* (online); Jan Tent, "Approaches to Research in Toponymy," *Names* 63/2 (2015), pp. 65-74.

۳. افغان (اوغان): قومی مترادف با پشتون/پتان و رده مردمان هندی از کوه‌های سلیمان (پاکستان کنونی) که به زبان پشتو زبانی هندوایرانی صحبت می‌کنند. آنان [چند سده پس از تألیف *تاریخ‌نامه هرات*] به سمت غرب به فضاهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی فارسی مهاجرت کردند. رجوع شود به عنوان مثال:

Donald Wilber, *Afghanistan* (New Haven HRAF Press, 1962), pp. 39-44.

4. Pierre Oberling, "Khalaj," *Elr*, 15, pp. 363-64.

خلج‌ها مردمان ترک‌زبان آسیای میانه هستند. برخی از خلج‌ها/خلجی‌ها به غلزاری/غلجی (پشتون‌ها) تبدیل شدند. رجوع کنید به:

Najīb Bakrān, *Jahānmāmah*, ed. M.A. Riyāhī (Tehran: Ibn Sina, 1342/1963), p.73; Anon., *Hudūd al-Ālam*, ed. and tr. Vladimir Minorsky (Cambridge: E.J.W. Gibb Memorial Trust, 1937 [1982 reprint]), p. 348; Wilber, *Afghanistan*, p. 42-43 Gibb Memorial Trust, 1937 [1982 reprint]), p. 348; Wilber, *Afghanistan*, pp. 42-43.

۵. رجوع کنید به: «فرهنگ‌نویسی قرون وسطایی در مورد اصطلاحات عربی و فارسی برای شهر و حومه شهر: Roy Mottahedeh, "Medieval Lexicography on Arabic and Persian: terms for City and Countryside," In Durand-Guedy, et al. (eds), *Medieval Iran*, pp. 465-78.





افغانستان و ایران همچنان ادامه دارد؛ از این رو نسب<sup>۱</sup> دلالت بر زادگاه یا محل سکونت (به عنوان مثال احمدآبادی، جامی، پنجشیری) دارد. وطن یک فرد می‌تواند یک منطقه اجتماعی و جغرافیایی که حیات اجتماعی‌اش را در آن می‌گذرد، باشد.<sup>۲</sup> منطقه در سراسر افغانستان و شرق ایران در همه جا معمول است. مرزهای مناطق برای ساکنان شناخته شده است<sup>۳</sup> اما معمولاً در نقشه‌های سیاسی و یا اداری مشخص نشده است.<sup>۴</sup> برخی از نام‌ها و مناطق جغرافیایی که توسط سیفی یا حافظ‌ابرو نام برده شده، اکنون بخشی از یک یا چند کشورند. باخرز، جام و خواف در ایران واقعند، سیستان بین افغانستان و ایران تقسیم شده و بلوچستان بین سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان به اشتراک گذاشته شده است.

افغانستان<sup>۵</sup> به معنای سرزمین افغان‌ها توسط امپریالیسم انگلیس ایجاد شده است. معنای آن متفاوت از آن چیزی است که در زمان سیفی بود. افغانستان آن گونه که منظور سیفی است به مناطقی بین غزنی و قندهار اطلاق می‌شد که شامل اراضی حاصل خیز در امتداد رودخانه‌های ترنگ و ارغنداب بود و از شرق/جنوب شرق به کوه‌های سلیمان می‌رسید.<sup>۶</sup> درست نیست اگر بگوییم که سیفی، افغانستان را در نقطه مقابل خراسان می‌گذارد. افغانستان از قلمرو و اهمیتی که خراسان داشته برخوردار نبوده است. قلمروهایی که منگو قآن به ملوک کرت اعطا نموده، ثبت شده است.<sup>۷</sup> افغانستان تنها یکی از بیست و یک ولایتی است که تابع هرات بود

1. On nisba (cognomen), see Annemarie Schimmel, *Islamic Names* (Edinburgh: Edinburgh University Press, 1989), pp. 10-12.

2. Bernt Glatzer, "War and Boundaries in Afghanistan: Significance and Relativity of Local and Social Boundaries," *Die Welt des Islam* 41/3 (2001): pp. 379-399, esp. 380-81; Thomas Barfield, *Afghanistan* (Princeton: Princeton University Press, 2010), p. 19.

۳. در حالی که با یکی از دوستان در تربت جام قدم می‌زدم، گفت: «ما اکنون در معدآباد هستیم»، روستای باستانی که در زمان حاضر بخشی از تربت جام شده است. هیچ نشانگر قابل مشاهده‌ای وجود نداشت.

۴. بازسازی مرزهای منطقه در هزاره‌جات در کتاب الساندری مونسوتی، جنگ و مهاجرت: شبکه‌های اجتماعی و استراتژی‌های اقتصادی هزاره‌های افغانستان

"Social Networks and Economic Strategies of the Hazaras of Afghanistan" (New York: Routledge, 2005), pp. 69-99 and Figures 4-5.

۵. از این پس، کلمه افغانستان به منطقه دوره ملوک کرت اشاره خواهد کرد نه افغانستان کشور مشخص شده توسط امپریالیست‌های انگلیس در قرن نوزدهم و بیستم. درباره افغانستان رجوع کنید به: وارطان گریگوریان، *ظهور افغانستان* نویسن، دانشگاه استنفورد، کالیفرنیا، ۱۹۶۹، ص ۲۹.

6. Christine Noelle-Karimi, *The Pearl in its Midst: Herat and the Mapping of Khurasan* (15th-19th centuries), Vienna: Österreichische Akademie der Wissenschaften, 2014, p. 297.

در سال ۲۰۲۱، *دانش نامه ایرانیکا* مقاله چند نویسنده را در مورد خراسان منتشر کرد. این مقاله، تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی دقیقی ارائه می‌کند.

۷. خراسان، هسته اصلی ایران زمین برای برخی نویسندگان پیش از مغول بود. در عصر پس از مغول، مناطق دیگر نیز از اهمیت برخوردار بودند که موقعیت آن‌ها در جغرافیا و تاریخ نشان داده شده است. رک.

Charles Melville, *The Mongol and Timurid Periods, 1250-1500*, in *Persian Historiography*, ed. C.P. Melville,





(فصل دوم). سیفی از اصطلاحات کلان مانند خراسان و ترکستان کمتر استفاده می‌کند<sup>۱</sup> و در عوض او مترادف‌های کوچک مانند روستاها، شهرها و شهرستان‌ها را به کار می‌برد.<sup>۲</sup> بیشتر ماکرو جای‌واژه‌هایی مانند بلخ، بُست، فراه، هرات، کابل، مرو و زابل<sup>۳</sup> که او در اختیار قرار می‌دهد، اجزای جدایی‌ناپذیر سرزمین ایران یا ایران بزرگ هستند<sup>۴</sup> یا میکرو جای‌واژه‌هایی مانند غزنی<sup>۵</sup> و افغانستان که ایران‌شهر تاریخی<sup>۶</sup> را در خود جای داده‌اند. «افغان» در متون قرون وسطی نام قومی است<sup>۷</sup> اما افغانستان تا دوران پس از مغول تحقق نمی‌یابد.<sup>۸</sup> سیفی به احتمال قوی نخستین کسی است که از افغانستان یاد می‌کند. افغانستان نام جغرافیای کوچکی بود که به دلیل مداخلات امپریالیستی به یک جغرافیای کلان یا ماکروتوپونیم تبدیل شد.<sup>۹</sup>

### چگونه هرات با ویرانی مواجه شد؟

این شهر در پهلوی دیگر شهرهای خراسان و ماوراءالنهر در نتیجه حرص و طمع [غایرخان حاکم اترار که با ضبط اموال بازرگانان مغول و از دم تیغ گذرانیدن بازرگانان باعث خشم چنگیزخان] و حمله سپاه انتقام جوی چنگیزخان به سمت ماوراءالنهر و خراسان گردید، ویران شد.

London: I.B. Tauris, 2012, pp. 155-208, esp. 162-76.

۱. ماکرو و میکرو جای‌نام‌ها، کاربردهای دقیقی در مطالعه ریشه‌شناسی، تاریخ و استفاده از نام‌های خاص (Onomastics) دارند. استفاده من محدود به دوگانگی فضای جغرافیایی بزرگ در مقابل فضای جغرافیایی کوچک است.

۲. در مورد تکامل معنایی اسم‌ها برای شهر و منطقه، نگاه کنید به اوین، «شهری»، صص ۳ - ۳۱.

۳. رجوع کنید به تورج دریایی، شهرستان‌های ایران‌شهر:

Šahrestānīhā i rānčahr, (Cošta Mesa, CA: Mazda, 2002).

4. Irānshahr: see "Touraj Daryae, Sasanian Persia" (London: I.B. Tauris, 2009), pp. 2-6.

5. Anon./Minorsky, Ḥudūd, pp. 24-29 (Ghazni once belonged to India).

6. 17-21 (regions and cities of Iran); Anon., Ḥudūd, pp. 23-24.

7. Ibid., pp. 10 48, 50; Muhammad al-Utbi, Kitab-i Yamini, tr. James Reynolds, London: Oriental Translation Fund, 1858, pp. 467-471.

رجوع کنید به: گریگوریان، افغانستان، صص ۲۹ - ۳۰.

۸. ذکر افغانستان در حدود العالم (۳۷۲ق.م) و جهان‌نامه بکران (که کمی قبل از حمله مغول تکمیل شد) نیامده است.

۹. افغانستان در ۱۵۰ سال گذشته پدید آمد. احمدشاه درانی (د. ۱۷۷۲)، موسوم به بابای افغانستان، از برجسب افغانستان استفاده نکرد؛ او شاه خراسان بود. رجوع کنید به: سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، ریچموند: کرزون، ۱۹۹۸، صص ۲ - ۵.

